



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تبیین شبهات حقوقی - اجتماعی حجاب از منظر حقوق عمومی

محسن جعفری^۱

۱- کارشناس ارشد حقوق عمومی

Paradiselost1400@gmail.com

چکیده

بحث حجاب و پوشش با توجه به اهمیت آن در جهان امروز و جایگاه خاص در دین اسلام و به تبع آن نظام جمهوری اسلامی ایران، مورد اشکالات و شبهات متعدد شبهه‌افکنان قرار گرفته است. از آنجا که دشمنان نتوانستند انقلاب اسلامی ایران را از راه نظامی مهار نمایند، اکنون با تغییر روش و از طریق براندازی نرم، تلاش می‌کنند از طریق ایجاد تردید در مقدسات دینی، هویت و فرهنگ ایرانی - مذهبی مردان و زنان نظام جمهوری اسلامی ایران را دچار استحاله و تغییر هویت نمایند، تا دین اسلام و نظام حاکمیتی ایران را، دین و نظامی ضد حقوق بشر علی‌الخصوص ضد حقوق زنان به افکار عمومی جهان معرفی کنند. لذا، نظر به اهمیت تبیین موضوع حجاب و بررسی تشکیک و القای شبهه در مبانی حجاب که طی چند سال اخیر شتاب بیشتری گرفته است، ضروری است مهمترین شبهات حقوقی - اجتماعی ناظر برحجاب و پاسخ‌های قابل‌ارایه را بشناسیم. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، به تبیین شبهاتی شبهاتی که گفتمان برون دینی (شبهات حقوقی - اجتماعی) و اصل حجاب را مورد حمله قرار داده‌اند، پرداخته است.

کلمات کلیدی: شبهات، حقوقی - اجتماعی، حقوق عمومی، شهروندی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

حجاب و پوشش در بین تمامی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان موضوعی قابل توجه است، می‌توان به عنوان امری طبیعی و زیستی جهت محافظت از بدن، به عنوان نمادی از فرهنگ و ارزش‌های انسانی و همچنین به عنوان نمادی از باورهای اعتقادی و دینی مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، مناقشات زیادی در قلمرو حجاب و پوشش بدن وجود داشته و همیشه مورد هجوم شبهات بوده است. چرا که حجاب و پوشش اسلامی به واقع، عیار سنجش میزان تدین مردم یک جامعه به شمار می‌آید و هر چه التزام عملی افراد به حجاب بیشتر باشد، بیانگر عفاف و خویشتنداری بیشتر افراد آن جامعه است.

در طی سال‌های اخیر نیز بر اثر نفوذ فرهنگی بیگانگان به کشور و کم‌کاری نهادهای فرهنگی، مسئله حجاب به انحای مختلف به چالش کشیده شده است. اکنون تخریب و هجمه همه‌جانبه مخالفان حجاب، در رویکردی جدید با شیوه شبهه‌افکنی و تفرقه‌افکنی وارد میدان شده و تا حدی بر باور و اعتقادات برخی افراد ناآگاه تأثیر گذاشته است. لذا، دشمنان اسلام با القای شبهات به دنبال آن هستند تا ضرورت، فواید و کارآمدی حجاب را در ذهن زنان و مردان زیر سوال ببرند تا بتوانند در التزام عملی آنها به حجاب اسلامی خلل وارد کنند. متأسفانه شبهه‌افکنی‌های مغرضانه دشمن در خصوص حجاب تا آنجا پیش رفته که گروهی برهنگی و بی‌بند و باری را نشانه تمدن می‌دانند و حجاب و عفاف را نماد عقب‌ماندگی معرفی می‌کنند.

امروزه در جنگ نرم و تهاجم فرهنگی دشمنان علیه ما، یکی از محورهای اصلی که در دستور کار مخالفان نظام اسلامی ایران قرار دارد، مقابله جدی با موضوع حجاب و عفاف است. بنابراین یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه با حجاب بوده است. چرا که حجاب برای جوامع جهان‌سومی می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی بر سر راه مقاصد شوم آنها باشد. اگر استعمار بتواند عفت و پوشش را از زن بگیرد، همه چیز جامعه، از جمله مردان آن را می‌توان تحت اختیار و سلطه قرار دهد (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۷).

امام خمینی (ره) بی‌حجابی را ترفندی در جهت نیل استعمار به اهداف شوم خود و تخدیر افکار جوانان بر می‌شمارد (کرباس‌فروشان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۶۲). در نگاه رهبر انقلاب اسلامی حیا و عفاف علاوه بر آن که حکم و دستور الهی است، یکی از عوامل اقتدار ملی نیز هست که دشمن آن را هدف گرفته، «دنبال این است که این عوامل اقتدار ملی را از بین ببرد، هدف دشمن این است. ایمان را از بین ببرد، حیا و عفاف را از بین ببرد»^۱ (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). توطئه‌ای که در سال‌های اخیر و با طرح کلیدواژه‌های چون حجاب اجباری و عملیات روانی، میدانی و تبلیغاتی پیرامون آن در پی حیازدایی و مبارزه با حجاب و عفاف در ایران اسلامی است.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید می‌فرمایند که: «جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل موربانه است، دشمن به این موربانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا، وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند»^۲ (۱۴۰۱/۰۵/۰۵). «آن چیزی که در اساس لازم است و مهمتر از همه است، این است که ذهن افراد را با اهمیت حجاب آشنا بکنید، یعنی به او تفهیم کنید که حجاب از لحاظ شرعی و از لحاظ منطقی حجاب این است»^۳ (۱۳۷۷/۱۲/۰۴). ایشان در تبیین الزام شرعی و قانونی حجاب فرموده‌اند: «در مسئله پوشش، حجاب، محدودیتی شرعی و قانونی است نه محدودیتی دولتی، و کشف حجاب نیز هم حرام شرعی است هم حرام سیاسی»^۴ (15/01/1402).

اهمیت و جایگاه عفاف و حجاب در آموزه‌های دینی، آرمان‌های انقلاب اسلامی و منویات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و فرهنگ و آداب و رسوم ملی ایرانی جایگاه رفیعی دارد، بنابراین با توجه به اهمیت دینی، اجتماعی، هویتی و سیاسی مسئله حجاب در جامعه ایران، بررسی شبهات و نگرش‌های مربوط به آن ضروری و جهاد تبیین در مسئله حجاب و عفاف یک ضرورت

^۱ .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم. (<https://khamenei.ir>)

^۲ .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور. (<https://khamenei.ir>)

^۳ .بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی. (<https://khamenei.ir>)

^۴ .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. (<https://khamenei.ir>)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مهم فرهنگی و اجتماعی به نظر می‌رسد. به خصوص که جامعه ایران با تغییر ارزشی و فرهنگی در مورد حجاب و پوشش مواجه است و بسیاری از کارشناسان و متخصصان معتقدند عوامل متعدد درونی و بیرونی بر این جریان تاثیر داشته‌اند. بنابراین، بسیار حائز اهمیت است که ضمن تبیین درست مساله حجاب و ضرورت‌های آن، به پاسخگویی شبهات حقوقی- اجتماعی نیز پرداخته شود.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- اهمیت پاسخگویی به شبهه

در قرآن کریم به مسئولیت انبیای راستین و اولیای الهی در رفع شبهات اشاره شده است و چنانکه در داستان‌های قرآنی انبیای الهی نیز به نقش و وظیفه ایشان در پاسخگویی به شبهات تصریح شده است. در سیره پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت گرامی ایشان در مقابله با شبهات، به روش شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهه، دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت کوشش در رفع این شبهات توجه شده است(قزائتی، ۱۳۸۳: ج ۵، ۷۳).

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره خطراتی که از ناحیه شبهه و شبهه‌افکنان متوجه امت اسلام است، فراوان هشدار داده‌اند، در موضعی به معرفی ماهیت شبهه می‌پردازند: «شبهه را به این دلیل شبهه می‌گویند که شبیه حق است، اما چراغ اولیای خدا در امور شبهه‌ناک یقین و راهنمایان راه هدایت است، ولی دعوت‌کننده دشمنان خدا به مسیر شبهه ضلالت و راهنمایان کوردلی است». در موضع دیگر به قصد و هدف دشمنان از انتشار شبهات تصریح می‌کنند: «از شبهه حذر کنید، زیرا که شبهه به قصد فتنه ساخته شده است». و در جای دیگری این گونه از منتشرکنندگان امور مشتبه در میان امت یاد می‌کنند: «به راستی که منفورترین مردمان نزد خدا دو کس می‌باشند: کسی که خداوند او را به خودش واگذاشته است و کسی که جهالت و نادانی را از این سو و آن سو فراهم آورده و در میان نادانان این امت تاخت و تاز می‌کند... (او) در برابر ابهام شبهات، همچون تار عنکبوت است، نمی‌داند درست داوری می‌کند یا نادرست»(موسوی‌نیا و پورامینی، ۱۴۰۱: ۱۵۳-۱۵۴).

بر اساس روایات، وظیفه علمای شیعه را مانند مرزبانانی می‌دانند که وظیفه‌ی پاسخگویی به شبهات را برعهده دارند به عنوان نمونه در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مَرَابُطُونَ فِي الثَّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ التَّوَّاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التَّرِكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجَبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أِبْدَانِهِمْ»، «علمای شیعه ما مرزداران هستند که بر مرزهای ایمان مردم و در برابر ابلیس و پیروانش به مرزداری می‌پردازند، آنها را از هجوم به ضعفای شیعه باز می‌دارند و شیعه را از تسلط ابلیس و یاران ناپاکش محفوظ و مصون نگه می‌دارند؛ آگاه باشید! آنکس از شیعیان که چنین وظیفه‌ای را به عهده می‌گیرد، هزار هزار مرتبه برتر از مجاهدین است که با (دشمنان آن روزگار اسلام) روم و ترک و خزر جهاد می‌کنند چون او از دین محبان ما دفاع می‌کند و دیگری از بدن‌های ایشان». بعد حضرت می‌فرماید: «جواب مجاهدانی که در این راه جهاد می‌کنند یک میلیون بار بیشتر از ثواب مجاهدانی است که در اقصا نقاط عالم اسلامی می‌جنگند»(مجلسی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۵۷).

۲-۲- شهروندی: پیوند میان فرد و جامعه

مفهوم شهروندی، پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدها و مسئولیت‌ها بیان و بر روابط دولت و اعضای آن نظارت می‌کند. حقوق و مسئولیت‌ها و شیوه‌های کاربرد آن در روابط میان افراد و جامعه، دارای ارتباط متقابل با مشارکت است. در حقیقت، مشارکت از یکسو، شیوه‌هایی را که افراد حقوق و مسئولیت‌هایشان را در جامعه درک می‌کنند، بازتاب می‌دهد و از دیگر سو، رشد توانایی‌ها و پذیرش مسئولیت‌ها در زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را سبب می‌شود که دقیقاً به شهروندی پیوند خورده است(امیدعلی، ۱۳۹۳: ۳۰).

می‌توان شهروندی را از چشم‌اندازهای نظری مختلف درک کرد. در یکی از رویکردهای مرتبط، شهروندی بر مسئولیت‌های فردی نسبت به جامعه تمرکز یافته است(میلر، ۱۹۹۵: ۹۵). این رویکرد استدلال می‌کند که افراد عضو یک جامعه خود



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

را بخشی از اجتماع مشترک و عام می‌بینند و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند. در واقع، افراد بر حسب احساس مسئولیت نسبت به جامعه و دستیابی به اهداف مشترک در فعالیت‌ها و امور مربوط به جامعه مشارکت می‌کنند (اولدفیلد، ۱۹۹۰: ۱۰۲). در این رهیافت، شهروندی موقعیتی ساده نیست، بلکه یک عمل یا فعالیت است که با انجام وظایف و مسئولیت‌ها محقق می‌شود.

۲-۳- نظام اسلامی و حقوق شهروندی

فلسفه حکومت در جوامع صرفاً برقراری نظم اجتماعی است، ولی در تفکر اسلامی، حکومت افزون بر استقرار نظم، فلسفه دیگری هم دارد و آن، بسترسازی و فراهم ساختن شرایط برای تحقق اهداف و ارزش‌ها و اجرای احکام دینی است. خداوند متعال در قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید: «آنان که در زمین قدرتشان دهیم، نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و به معروف، امر و از منکر نهی می‌کنند». حضرت علی(ع) نیز یکی از اهداف به دست گرفتن قدرت را اجرای آموزه‌های دین و برپایی حدود الهی برمی‌شمارد. بنابراین مقتضای فلسفه وجودی حکومت دینی، اجرای احکام دینی است؛ لازمه این فلسفه وجودی هم فرهنگ‌سازی و تثبیت هنجارهای پسندیده در مرحله نخست و هم ثبوت این حق برای دولت است (ضیایی فر، ۱۳۸۶: ۲۴۱). پس حاکم اسلامی اجمالاً در برابر امور دنیا و آخرت مردم مسئولیت دارد (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۴).

در حقیقت مصلحت نظام اسلامی دو جنبه دارد: (۱) منافع ملی (ضرورت‌های اجتماعی) و (۲) مصلحت اسلام و شرع (ضرورت حفظ احکام شرعی) برای حفظ انسان‌ها از آسیب‌ها. هر یک از این ضرورت‌ها بنا به موقعیت خود، مهم و حیاتی هستند (هادیان‌رسانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). لذا دولت اسلامی در چارچوب اهداف و مسئولیت‌هایی که در قبال دین و امت اسلامی دارد، از اختیاراتی برخوردار است. قلمرو اختیارات هر دولت با اهداف و مأموریت‌های آن دولت رابطه تنگاتنگی دارد و در حقیقت، هدف‌های هر دولت ترسیم‌کننده خطوط کلی اختیارات آن است. از مجموع آیات و روایات اهداف حکومت اسلامی شامل اجرای احکام دین، اصلاحات در جامعه و مقابله با کجروی، برقراری امنیت و اجرای قوانین و اقامه حدود است (رفیعی، ۱۳۸۶). نظامی که بر اساس اهداف دینی سامان یابد و دین مبنای نظام آن را بسازد یا دست‌کم، سیاست مخالفت نکردن با قوانین و احکام مهم و ضروری دین را دنبال کند، نمی‌تواند نسبت به آموزه‌ها و باورها، احکام و قوانین دینی به ویژه در عرصه‌های اجتماعی بی‌اعتنا و خنثی باشد. یعنی به گونه‌ای مسئولیت و وظایفی را در این زمینه متوجه دولت و حکومت می‌سازد تا از آنها پشتیبانی و در عملیاتی‌سازی آنها تدبیرهای اجرایی را در پیش بگیرد. پدیده حجاب، عفاف و پاکدامنی عمومی از شمار مهمترین و ضروری‌ترین احکام و باورهای دینی است که پیامد اجتماعی، ارزشی، تربیتی و اخلاقی دارد.

حکومت در دیدگاه امیر مؤمنان، تنها زمانی اعتبار می‌یابد که وسیله‌ای برای تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه این دیدگاه می‌توان گفت امیر مؤمنان، به چهار هدف و غایت مهم درباره شهروندی، نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه‌سازی رشد و تعالی انسان‌ها (امیدعلی، ۱۳۹۳: ۱۸).

۲-۴- حجاب و شبهات حقوقی - اجتماعی

اصولاً تشکیک در باورها، یکی از ریشه‌ای‌ترین روش‌های مقابله با هر نظام فکری و تمدنی و ارزش‌های حاکم بر آن است. ایجاد تردید در مقدسات دینی از روش‌های جنگ نرم است. در این بین یکی از باورهایی که مانند هر امر مقدس دیگری مخالفینی دارد، حجاب است که اشکالات و شبهاتی بر حجاب وارد می‌کنند. نکته قابل توجه در این روش این است که با استناد از آیات قرآن سبب بروز شبهات و زیر سوال بردن مقوله حجاب می‌شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

براندازی نرم^۵ (که در مقابل براندازی سخت یا به زور و خشونت قرار دارد)، ممکن است به دو صورت محقق شود: اول) نافرمانی مدنی به معنای مقاومت صلح‌آمیز در برابر قانون یا سرپیچی از انجام وظیفه در وضعیتی که فرد حس کند پیروی از قانون و انجام وظیفه ممکن است پیامدی داشته باشد، از این رو به منظور مخالفت با حکومت نسبت به نقض بعضی قوانین و زیرپا گذاشتن هنجارهای مورد احترام حکومت اقدام کند. دوم) استحاله به معنای عدم قبول ارزش‌ها، اهداف و ارکان نظام و اعتقاد به تغییر نظام حکومتی و ارکان آن با استفاده از ابزارهای حقوقی و قانونی با دقت در انواع براندازی نرم معلوم می‌شود. یکی از راه‌های براندازی نظام اسلامی که در گذشته مطرح نبوده، استفاده از پدیده‌ی بدحجابی است که نمونه‌ی استفاده از این پدیده در تضعیف و مقدمه‌سازی به منظور براندازی را می‌توان در طراحی اروپاییان برای فتح اندلس پس از ناامیدی از برتری نظامی مستقیم بر آن مشاهده کرد (غلامی، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۶). ابتدا به شبهات حقوقی - اجتماعی پرداخته و سپس در بخش دوم به پاسخ و تبیین می‌پردازیم.

مهم‌ترین و بیشترین شبهات سیاسی - اجتماعی حجاب که از زوایای مختلف بیان می‌شوند، می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

شبهه اول: چرا در کشورهای اسلامی مانند امارات، عراق، قطر و ... حجاب اختیاری است، اما در ایران حجاب برای

زنان اجباری است؟ چرا در دیگر کشورهای اسلامی قانون حجاب اجباری وجود ندارد؟

شبهه دوم: مگر زمان پیامبر و ائمه، گشت ارشاد و پلیس امنیت اخلاقی بود؟ اگر بحث حجاب جزء مباحث حکومتی

و الزامی بود، باید فرمان‌ها و بیانیه‌های مهم صدر اسلام، به آن اشاره می‌شد.

شبهه سوم: طبق آیات قرآنی، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ...» حجاب به زنان و دختران پیغمبر خطاب شده

است، پس حجاب امری فردی و خصوصی یا شخصی است. حجاب امری اختیاری و به ایمان افراد واگذار شده است.

شبهه چهارم: طبق آیات قرآنی، «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ ...»^۶؛ «... وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ ...»^۷ حجاب به زنان مومن (مسلمان) خطاب

شده است، چرا زنان اقلیت‌های دینی باید در کشور ایران حجاب داشته باشند؟

شبهه پنجم: چند دهه از انقلاب گذشته، اگر مردم حجاب اجباری را نمی‌خواهند، باید قانون حجاب را برداریم.

شبهه ششم: اگر قانون حجاب را نخواهیم چه باید کرد؟ مشروعیت این قانون از کجاست؟

شبهه هفتم: وقتی عرف حجاب را قبول ندارد، چرا قانون حجاب تغییر نمی‌کند؟ چرا حجاب اختیاری همیشه؟

شبهه هشتم: ...

با توجه به شبهات حقوقی - اجتماعی، این سوالات ریشه در چند پرسش اصلی‌تر و مبنایی‌تری دارند و در واقع تعداد قابل توجهی

از آنها، تکرار چند مفهوم اصلی هستند که در قالب سوالات مختلف بیان شده‌اند. حجاب و مداخله‌ی دولت و تقابل آن با حریم

خصوصی پرسش‌های اصلی در ارتباط با حوزه حقوقی - اجتماعی این شبهات هستند.

۳- تبیین شبهات حقوقی - اجتماعی

در این بخش، در دو محور یعنی حجاب و مداخله‌ی دولت و تقابل آن با حریم خصوصی تبیین‌هایی ارائه می‌شود. محور اول،

مبتنی بر این ادعاست که از صدر اسلام و ایام حکومت نبوی و علوی نمونه‌ای از برخورد با بدحجابی گزارش نشده و این علامت

آن است که برخورد حکومتی با پدیده‌ی بدحجابی و مداخله‌ی حکومت در مسئله‌ی حجاب جایگاهی در حکومت دینی ندارد و از

این رو برخورد قانونی حکومت اسلامی با بی‌حجابی و تعیین مجازات برای آن فاقد وجه است. محور دوم، بحث تعلق آن به حریم

خصوصی یا حوزه حقوق عمومی است. برخی شبهات ورود حکومت و حتی مردم عادی به حجاب افرادی که اصل آن را رعایت

^۵ . براندازی نرم در اصطلاح به معنای اجرای برنامه‌ای حساب شده، مسالمت‌آمیز و دراز مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام است که به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در ارزش‌های اساسی حاکم بر مدیران آن صورت می‌گیرد.

^۶ . سوره نور، آیه ۳۱.

^۷ . سوره احزاب، آیه ۵۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نمی‌کنند، با تاکید بر فردی بودن حجاب، آن را موضوعی متعلق به حریم خصوصی می‌شمارند، که اصولاً در دایره دخالت حکومت و حتی سایر مردم نیز قرار نمی‌گیرد و صرفاً تابع اراده و انتخاب هر فرد است.

۳-۱- تبیین شبهه حجاب و مداخله‌ی دولت

چگونگی مواجهه حکومت با موضوع حجاب، مسأله مهم و بحث‌برانگیزی است. آیا حکومت می‌تواند زنان را ملزم به رعایت حجاب نماید؟ آیا توجیهی از سوی حکومت برای الزام مردم به حفظ پوشش متصور است؟ یا آنکه چنین الزام حکومتی اساساً مردود است و هیچ عنوان و دلیلی که حکومت با تکیه بر آن بتواند مردم را به رعایت حجاب الزام کند، وجود ندارد. مسأله الزام حکومت به موضوعی مانند حجاب، اگر به درستی تبیین شود، به تبع این پاسخ، پاسخ بقیه شبهات مطرح شده، نیز داده می‌شود. در پاسخ به این شبهه، سعی می‌کنیم در دو مقدمه ضروری برای تبیین شبهات حجاب و الزام حکومتی، هر چند به اجمال استنباط کلی و عام از الزام حکومتی ارائه بدهیم و سپس به استنباط خاص الزام حکومت بر رعایت حجاب بپردازیم.

فلسفه سیاسی الزام حکومتی

اولین نکته‌ای که باید در پاسخ‌دهی مد نظر قرار گیرد، الزام مفهومی عام و فراگیر است و هر حکومتی حامل مفهوم الزام است. نمی‌توان حاکمیتی را تصور کرد که اتباعش هیچ‌گونه الزامی نسبت به فرامین و خواسته‌های آن احساس نکنند. پاداش یا کیفر اتباع توسط کارگزار حکومت به دلیل ثبوت چنین اقتضایی است. اگر حکومت اقتضای الزام را نمی‌داشت، پاداش و کیفر به ذهن تبادر نمی‌شد (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۶: ۱۳). این معنا را می‌توان از سخن اندیشمندان اسلامی و غربی به وضوح برداشت کرد.

یکی از مباحث علمای اصول فقه در باب دلالت اوامر آن است که میان حکومت، سلطه و اقتدار با مفهوم امر و فرمان رابطه وثیقی برقرار است. اگر شخص فرمان‌دهنده بر دیگران علو و منزلت حکومتی نداشته باشد، از اوامر او برداشت الزام‌آوری نمی‌شود (همان، ۱۴). از نظر ژان ژاک روسو^۸، «قرارداد اجتماعی که نتیجه اراده عمومی است و حاکمیت هم از آن است، برای مردم الزام‌آور است». بررسی اجمالی دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غربی معلوم می‌سازد که حکومت بر مفهوم الزام دلالت دارد و نمی‌توان حاکمیت را بدون الزام تصور کرد.

حجاب و الزام حکومت دینی

ممکن است ادعا شود که در حاکمیت دینی کسی با اجبار و الزام به چیزی معتقد نمی‌شود. اعتقاد در فضایی آزاد و رها از هرگونه اکراه و اجبار تحقق پیدا می‌کند. حکومت دینی نمی‌تواند با اجبار و زور افراد را ملزم به انجام تکالیف الهی نماید. عمل از روی اجبار ارزشی ندارد، به ویژه در خصوص تکالیف فردی که مربوط به رابطه میان خدا و فرد است، الزام معنا ندارد. بنابراین، در حکومت دینی نباید هیچ الزامی در تکالیف الهی برقرار شود. در پاسخ باید بگوییم:

امروزه این که با قدرت نمی‌توان کسی را معتقد به چیزی کرد، مورد تردید است. بسیاری از عقاید ما متأثر از نفوذ قدرت است و البته اگر آن قدرت از قدرت جاودان الهی نشأت گرفته باشد، دانش و عقیده‌ی مبتنی بر آن، حق و درست است و اگر از غیر قدرت الهی ناشی شود، دانش و عقیده پدید آمده باطل است. به هر حال، این نکته که اجبار و قدرت می‌تواند تولید کننده‌ی دانش و عقیده باشد، امر ممکن است. باید توجه داشت که حکومت مربوط به ساحت عمل است، نه نظر. کارگزاری حاکمیت ناظر بر اعمال افراد جامعه است، ولو این عمل از نوع کنش زبانی باشد. حکومت بر مبنای قانون، افراد جامعه را به عمل یا ترک عمل الزام می‌کند. وقتی حکومت فرد را محکوم به مجازات می‌کند، به دلیل عمل اوست، نه عقیده و نظر او. بر این اساس، گرچه در ساحت نظر برای حکومت هم عقیده بودن افراد جامعه مهم است و حکومت‌ها در جامعه‌ی همسو، بهتر می‌توانند

^۸ . Jean-Jacques Rousseau

^۹ . ژان ژاک روسو فیلسوف، اندیشمند و نویسنده معروف قرن هجدهم فرانسوی می‌باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فعالیت کنند، لیکن در ساحت عمل، هم عقیده بودن اهمیت ندارد و نباید هم داشته باشد. کارگزار حکومت به هنگام انجام وظیفه، عقیده و گرایش افراد را نادیده می‌گیرد، حکومت برحق این چنین است. بنابراین، هنگامی که حاکم و کارگزار حکومتی به وظیفه خود عمل می‌کند، ولو این عمل مستلزم الزام فرد یا جامعه باشد، به آن عمل اجبار تکالیف دینی گفته نمی‌شود (همان: ۱۷-۱۹). گزاردن حج توسط رهبر یا امام، نمونه‌ای از الزام حکومتی در انجام تکالیف شرعی است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «اگر مردمان حج را تعطیل کردند، بر امام واجب است که آنان را به گزاردن حج مجبور کند، خواه بخواهند و خواه نخواهند، زیرا این خانه برای حج نهاده شده است». در نتیجه، وظیفه حاکم اسلامی همان تکالیف شرعی است که شامل تکالیف فردی و اجتماعی می‌شود. وظیفه شرعی برگزاری حج صرفاً شامل تدارک حکومت اسلامی برای هر چه سهل‌تر و باشکوه‌تر برگزار شدن حج نمی‌شود، بلکه اگر روزی مسلمانان در برگزاری حج کوتاهی کنند، باید آنان را ملزم به انجام فریضه حج نمایند. پرسش اصلی دقیقاً همین است که آیا حکومت اسلامی می‌تواند جامعه را به رعایت حجاب اسلامی الزام نماید یا خیر؟ قلمرو حکومت اسلامی همان قلمرو احکام و شریعت اسلامی است. شریعت و آیین محمدی (ص) تا هر جا که دامن گسترانیده، قلمرو حکومت اسلامی نیز تا همانجا و به همان شکل و ترتیبی است که در شریعت اسلامی آمده است. بنابراین، حاکم اسلامی هرگز نمی‌تواند نسبت به واجبات و محرمات الهی از جمله وجوب رعایت پوشش اسلامی، بی‌تفاوت باشد. پوشش اسلامی بر هر مرد و زن مسلمان واجب و ترک آن حرام است. بر این اساس حاکم اسلامی می‌تواند جامعه‌ی مسلمان را به رعایت حجاب اسلامی دعوت و الزام نماید.

حجاب اجباری یا قانونی

به کار بردن تعبیر حجاب اجباری و فضا سازی منفی درباره حجاب قانونی در رسانه‌های جمعی، یکی دیگر از تبلیغات رسانه‌های غربی در جهت تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی مردان و زنان مسلمان ایران زمین است، چرا که غرب در تبلیغات رسانه‌های خود می‌کوشد تا اسلام و نظام جمهوری اسلامی را به عنوان نظام ضد حقوق زن به افکار عمومی جهان معرفی کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز دغدغه خود را درباره به کار بردن این تعبیر چنین بیان کردند: «آنچه بنده را حساس می‌کند، طرح مسئله "حجاب اجباری" از دهان برخی خواص است. این عده که در میان آن‌ها روزنامه‌نگار، روشنفکر نما و آخوند معمم هم وجود دارد، همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن نتوانسته با آن همه هزینه در کشور به نتیجه برساند که ان شاء الله این کارشان نادانسته باشد»^{۱۰} (۱۳۹۶/۱۲/۱۷). عبارت حجاب اجباری، برجسیبی است که رسانه‌های جهان غرب برای زنان مسلمان دنیای شرق علی‌الخصوص زنان ایران بکار می‌برند. «ضرورت‌های حقوقی رسانه‌های غربی (تأثیر مقام‌های سیاسی و قدرت‌های اقتصادی) سبب می‌شود که گفتمان با ارائه‌ی تصور قالبی به دو صورت بازنمایی حجاب به عنوان نقض حقوق زنان در اسلام و ایران و نشانه‌ی سیاسی با بار معنایی منفی (خشونت، بنیادگرایی و تروریسم) بینش منفی نسبت به حجاب زن مسلمان را به مخاطبان القا می‌کنند» (صفاوردی، ۱۳۸۹: ۲۹۷). مستر همفر در خاطرات خود می‌نویسد:

«در مسئله‌ی بی‌حجابی زنان باید کوشش فوق‌العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید به استفاده شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم، همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه‌ی مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند» (واحد، ۱۳۶۱: ۹۳).

به کار بردن کلمه اجبار و استفاده از تعبیر حجاب اجباری، نوعی مغالطه‌کاری است. اولاً در نظام سیاسی اسلام، اجبار و زور جایگاهی ندارد و ثانیاً الزام به قوانین در تمام نظام‌های سیاسی دنیا امری پذیرفته‌شده و حکمی عقلی است. مطرح کردن مسئله

^{۱۰} . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان. (<https://khamenei.ir>)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به این نحو که آیا اسلام طرفدار حجاب اجباری است، باعث می‌شود تا هر پاسخی منجر به شکست دیدگاه اسلام، در قبال حکم حجاب اسلامی گردد. چون اگر گفتید "نیست"، یکی از واجبات اسلام را که مورد اتفاق شیعه و سنی است انکار کرده‌اید و اگر هم گفتید "هست"، بار منفی کلمه اجبار در دوره‌ای که شعار آزادی مهم‌ترین محور ارزش‌گذاری‌ها شده، باعث می‌شود تا از اسلام چهره‌ای خشن ارائه گردد. این در حالی است که به کار بردن کلمه "اجبار" در مسئله حجاب، از سوی برخی در داخل کشور و ترویج قانون‌ستیزی و نفرت‌پراکنی به بهانه دفاع از آزادی، ترفندی از سوی دشمن است تا آنچه را او نتوانسته با آن همه هزینه در کشور به نتیجه برساند، ما خود به دست خود انجام دهیم.

الزام و اجبار در اجرای قانون، امری بدیهی و معقول است، نپذیرفتن یا نقض آن، با بی‌قانونی و هرج و مرج تفاوتی ندارد. یک وقت حجاب به عنوان یک امر عقلانی یا یک امر ایمانی و دینی مطرح است، یعنی من می‌خواهم به طرف مقابل مسئله حجاب را یا بعنوان یک فکر و اندیشه جدید و برتر معرفی کنم که او هم آنرا بپذیرد، یا به عنوان امری ایمانی و الهی ابلاغ کنم که به آن ایمان بیاورد، بدیهی است که ابزار اجبار در این دو محدوده اساساً بی‌معنا است. نه اجبار در اندیشه و فکر و نه اجبار در ایمان و باور، هیچکدام معنا ندارد و امکان‌پذیر نیست. یک وقت حجاب بعنوان یک قانون اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، یعنی این‌که جدای از بحث اندیشه و ایمان، وارد جامعه‌ای می‌شویم که تحت قوانین خاصی اداره می‌شود و فرض ما بر این است که رعایت حجاب بعنوان یکی از قوانین اجتماعی در این جامعه تعریف شده و به تصویب رسیده است. زیرا اجبار در اینجا به معنای پای‌بندی و اصرار بر اجرای قانون است و مخالفت با اجرای قانون، نظری نیست که در میان افراد عاقل و فهمیده طرفدار داشته باشد. مثال عرفی آن که مورد قبول و فهم همگان باشد را در قوانین راهنمایی و رانندگی می‌توان مشاهده کرد. مثلاً در ایران قانون این‌گونه وضع شده که اتومبیل‌ها از سمت راست حرکت می‌کنند، به هر دلیلی (خواه درست یا غلط) قانون‌گذار این سیستم را وضع کرده و به مرحله اجرا گذاشته است و پلیس راهنمایی و رانندگی ضامن اجرای آن بوده و با متخلفین برخورد می‌کند. اکنون تصور کنید گروهی بیایند و بگویند ما در انگلستان دیده‌ایم که اتومبیل‌ها از سمت چپ حرکت می‌کنند، خیلی هم خوب است ما می‌خواهیم آزاد باشیم و طبق آن عمل کنیم چرا ما را اجبار می‌کنید؟ اگر ما برای حل این مشکل اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی این گروه، این سوال را مطرح کنیم که آیا با اجباری بودن حرکت از سمت راست موافقت یا مخالف؟ بعد هم به فرض نتیجه این بشود که باید هر کس آزاد باشد هر که خواست از سمت راست حرکت کند و هر که خواست از چپ! هرگز به نتیجه مطلوبی دست نمی‌یابیم و اساساً طرح این سوال به این نحو غلط است. تا زمانی که قانون این کشور حرکت از سمت راست است، اجبار در اجرای آن درست است و موافقت یا مخالفت گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند در آن نقشی داشته باشد. به هزار و یک دلیل هم که ثابت کنم حرکت از سمت چپ بهتر است و من آنرا می‌پذیرم و می‌پسندم، اگر تخلف کنم و بخواهم به رای و نظر و پسند خودم عمل کنم، با من برخورد می‌شود و بعنوان مجرم باز خواست می‌شوم، جریمه می‌شوم و اگر ترمرد کنم محرومیت‌های اجتماعی متعددی گریبان‌گیر من خواهد شد.

در هر جامعه سالم و متمدنی مجموعه قوانینی حاکم می‌شود که به تناسب باورها و عقائد افراد یا نخبگان آن جامعه، خاستگاه وضع آن قوانین متفاوت است. مثلاً در یک جامعه قوانین کشور بر پایه نظام و اندیشه لیبرالی بنا می‌شود و در جامعه دیگر بر پایه نظام و اندیشه سوسیالیستی. خاستگاه این نظام‌ها هر چه باشد و بر هر اندیشه‌ای استوار باشد - خواه درست یا غلط - وقتی به مرحله قوانین حکومتی آن جامعه رسیدیم، بحث الزام و اجبار در اجرای قانون، امری بدیهی و معقول است چرا که نپذیرفتن آن به معنای حذف ضمانت اجرای قانون است و قانونی که ضمانت اجرا نداشته باشد، نتیجتاً بی‌قانونی و هرج و مرج تفاوتی ندارد. حال اگر خاستگاه قوانین جامعه‌ای، نظام و اندیشه اسلامی باشد و بر این اساس قوانین آن کشور تنظیم و تصویب شود، از لحاظ ضمانت اجرا و الزام و اجبار در اجرای آن، با سایر قوانین تفاوتی ندارد، و اعمال ابزار اجبار در اجرای این قوانین نیز امری بدیهی و معقول خواهد بود (مکارم‌شیرازی و سبحانی تبری، ۱۳۸۱: ۵۶۹-۵۷۰).

میان «لا إكراهَ فی الدین» و حجاب قانونی تنافی و تعارضی نیست، زیرا موضوع و محل جریان حجاب قانونی با موضوع و محل «لا إكراهَ فی الدین» جداست، بنابراین اتحاد موردی ندارند تا متعارضین باشند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اولاً، کلمه «دین» در این آیه به معنای «اعتقاد» است، بنابراین معنای آیه این است که اجبار و اکراه در اعتقاد و باورهای قلبی راه ندارد و با زور نمی‌توان کسی را دین‌دار کرد. در نتیجه موضوع و محل جریان «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، باورهای قلبی و مربوط به قبل از پذیرش دین است، یعنی هر انسانی آزاد است هر دینی را بپذیرد و نباید هیچ‌کس را بر پذیرش و اعتقاد به دین مجبور کرد. سیره عملی پیامبر گرامی اسلام نیز مؤید این معنا است. پیامبر(ص) بعد از تشکیل حکومت در مدینه و تسلط بر اوضاع سیاسی و اجتماعی، با پیمان‌شکنی یهودیان ساکن مدینه مواجه و در نوبت‌های متعدد با آنها جنگید و یهودیان را شکست داد و بر آنها پیروز شد، اما هیچ‌گاه آنان را به پذیرش اسلام اجبار نکرد و لذا بسیاری از آنان بعد از شکست در برابر مسلمانان، بر دین یهودیت باقی مانده و در اطراف مدینه ساکن شدند.

موضوع و محل جریان حجاب قانونی، عمل بیرونی و مربوط به بعد از پذیرش دین اسلام است، کسی که دین اسلام را با اختیار خود پذیرفت، باید احکام و مقررات آن را نیز گردن نهد و به دستورات آن عمل کند. اینجا محل «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، نیست و فرد مسلمان نمی‌تواند با تمسک به این آیه از عمل به احکام دین و رعایت مقررات دینی شانه خالی کند. این امر مثل آن است که گفته شود «گزاره هیچکس را نباید بر انتخاب شغل اجبار کرد» با «قانون کار که می‌گوید هر کارمند باید هشت ساعت کار کند» تنافی دارد. گزاره اول می‌گوید نباید اجبار کرد، گزاره دوم می‌گوید باید کار کند. در حالی که این دو گزاره مربوط به دو محل و دو موضوع هستند. گزاره اول برای افرادی است که هنوز شغلی را انتخاب نکرده و استخدام نشده‌اند، در اینجا گفته می‌شود هیچ فرد یا گروه نمی‌تواند دیگران را بر انتخاب شغلی اجبار کند، اما گزاره دوم برای افرادی است که با اختیار خود شغل خاصی را اختیار کرده یا در مؤسسه یا اداره‌ای استخدام شده است. این شخص باید به مقررات و قوانین آن مؤسسه و اداره ملتزم باشد و به آن عمل کند. در ارتباط با حجاب نیز همین سخن می‌آید. تا فردی دین اسلام را نپذیرفته و وارد حوزه مسلمانان نشده است، «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» برای او جاری است و لذا مکلف به عمل به دستورات اسلام نیز نیست، اما وقتی اسلام را پذیرفت و مسلمان شد، باید به تمام دستورات و قوانین فردی و اجتماعی آن عمل کند.

الزام و اجبار بر دو گونه است: الزام شرعی و الزام قانونی. الزام شرعی که مقصود از آن واجبات و محرمات الهی است، مانند نماز و شرب خمر که الزام و منع اجباری دارند و به اصطلاح از واجبات و محرمات اسلام هستند و الزام و اجبار قانونی که از ناحیه تصویب قانون در مجلس ناشی می‌شود، مانند الزام به پرداخت مالیات، پرداخت دیه. تفاوت این دو الزام به این است که الزامات شرعی اگر از احکام فردی باشد و ملبس به لباس قانون نشده باشد، مانند وجوب نماز و روزه، مختص مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی نسبت به آنها تکلیفی ندارند. اما الزامات شرعی که از احکام اجتماعی اسلام است و انجام آن در انظار عموم مؤثر بر سایر اعضای جامعه است یا به صورت قانون رسمی کشور درآمده است، برای همه شهروندان جامعه اعم از مسلمان و غیر مسلمان است. بنابراین اقلیت‌های مذهبی که دین اسلام را نپذیرفته‌اند، نسبت به واجبات و محرمات اسلام الزام و اجبار شرعی ندارند و بر رعایت حجاب نیز الزام نمی‌شوند. اما اگر حکم شرعی در کشور اسلامی تبدیل به قانون رسمی کشور شد، قانون کشور برای همه شهروندان کشور لازم‌الرعایه است و بین مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی ندارد. مانند قانون راهنمایی و رانندگی که باید همه شهروندان ایرانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان رعایت کنند. در الزامات قانونی، همه مردم تابع یک قانون‌اند و چون حجاب هم از احکام اجتماعی اسلام است و هم از این جهت که قانون رسمی ایران است، رعایت آن بر همه ایرانیان و کسانی که به عنوان توریست یا زائر یا مقام سیاسی و اجتماعی وارد این سرزمین می‌شوند، لازم است. این امر مختص به ایران نیست و در همه کشورهای دنیا وجود دارد.

بین کشور مسلمان و کشور دارای حکومت اسلامی تفاوت وجود دارد. کشورهای زیادی هستند که دین رسمی آنها، اسلام است و قانون اساسی آنها هم بر اساس شریعت اسلام می‌باشد، ولی حکومت‌ها عملکردی جدا دارند. بدین معنی که درجه پایبندی کارگزاران حکومت‌ها به شریعت اسلام از کشورهای غیرمسلمان در خود کشورهای اسلامی متفاوت است. در حکومت دینی مرجع قانونگذاری، شریعت الهی است. در غیر این صورت، دینی بودن دولت صرفاً اسم و نام است، نه وصف. پس اگر دولتی به



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

وصف، دینی بود نه اسم، چنین دولتی هرگز نمی‌تواند نسبت به مرجعیت دین و شریعت دینی بی تفاوت باشد، یعنی دولت هر آنچه را که در شریعت دینی آمده به مثابه قانون تلقی می‌کند.

حجاب و برخورد حکومتی

فقدان گزارش تاریخی در مورد گشت ارشاد در زمان پیامبر و ائمه، مساوی فقدان الزام نیست. در ضمن، اجرای احکام محتاج گزارش تاریخی نیست.

این ادعا که برخورد حکومت اسلامی با بدحجابی در گزارش‌های تاریخی منعکس نشده، پس حجاب در دایره‌ی اختیارات حکومتی نهاد حاکم قرار نمی‌گیرد، مبتنی بر یک مقدمه است که آن مقدمه مخدوش است. فقها برای صدور و اجرای احکام اسلامی نیاز و الزامی به مسبوق بودن حکم به یک گزارش تاریخی ندارند و آنچه موجب و زمینه‌ی صدور و اجرای احکام می‌شود، دستیابی به ادله‌ی اقناعی از منابع معتبر اجتهاد است، خواه مستند و گزارش تاریخی در مورد آن وجود داشته باشد و خواه وجود نداشته باشد، زیرا قرار بر این نیست که تمام فعالیت‌های اجتماعی به شکل اسناد تاریخی منتقل شوند و البته چنین چیزی به‌طور کامل امکان تحقق هم ندارد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷: ج ۲، ۴۶۷؛ به نقل از غلامی، ۱۳۹۲: ۴۹).

قوانین و احکام الهی یا اسلامی، بر اساس ملاکات^{۱۱} (مصلح و مفاسد) موجود در زندگی بشر تشریح شده‌اند، پس بر اساس تغییر در ملاکات (مصلح یا مفسده) می‌توان، حکم جدیدی^{۱۲} کشف شود. با توجه به همین مسئله، فقها فائند که احکام اسلام تابع مصلح و مفاسد واقعی‌اند و مصلحت‌ها و مفسده‌ها به‌منزله‌ی علل احکامند (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۲۴). آنچه لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که ممکن است این مصلح و مفاسد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییر شکل داده و به تبع تغییر آنها، حکم‌شان تغییر کند. تنها یک مصلحت است که همواره پایدار و ثابت باقی مانده و امکان تغییر در آن وجود ندارد و آن مصلحت حفظ نظام اسلامی است. از این رو در مقام عمل، وظیفه مکلف نسبت به یک فعل در زمان‌های مختلف متفاوت خواهد بود. زمانی باید با طایفه‌ی خاصی بجنگد و در زمان دیگر با همان طایفه صلح کند. زمانی واجب است تقیه کند و زمانی تقیه بر او حرام است. این نحوه‌ی عمل در سیره‌ی پیامبر (ص) و ائمه (ع) قابل مشاهده است. صلح امام‌حسن (ع) و جنگ امام‌حسین (ع) نیز از همین منظر قابل بررسی است (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۵۴).

حال اگر گفته شود در عدم برخورد با بی‌حجابی و بی‌اهتمامی در قبال گسترش سریع آن، مفاسدی وجود دارد یا به‌وجود آمده که در صدر اسلام یا اصلاً موضوعیت نداشته یا به شکل و سیاق امروزی مطرح نبوده و خطر این مفاسد حتی ممکن است در حد تهدیدی برای ثبات نظام سیاسی حکومت اسلامی مطرح شود، باز همچنان می‌توان ادعا کرد که چون گزارشی تاریخی از برخورد با این پدیده در صدر اسلام به‌دست نیامده، پس برخورد با این پدیده در اختیار حکومت اسلامی نیست؟

برخلاف این ادعا که بحث حجاب در فرمان‌های صدر اسلام منعکس نشده است، باید گفت که بحث حجاب و حیا و عفاف هم به‌صورت غیرمستقیم و هم مستقیم در فرمان‌های آن برهه آمده است که به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌شود. در کنار بیانات و توصیه‌های اخلاقی راجع به حجاب، حضرات معصومین، حساسیت‌های ویژه عملی و برخوردهای جدی‌ای نیز با مسأله بی‌عفتی داشتند. امیرالمومنین (ع) در زمانی که خلیفه بودند، در نکوهش مردان عراق فرمود: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نَبَيْتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعَنَّ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ مَا تَسْتَحْيُونَ»، «ای مردم عراق، به من خبر رسیده که زنان شما در راه‌ها به مردان تنه می‌زنند، [چرا عکس‌العملی نشان نمی‌دهید] آیا حیا نمی‌کنید» (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۵، ۵۳۷). سیاق خطاب امام در اینجا نشان از جایگاه حکومت و برای محافظت از اخلاق و حیا‌ی عمومی چنین سرزنی را متوجه سهل‌انگاری عراقیان کرده است. اما دستور مستقیمی را که

۱۱. لازم به ذکر است که ملاک حکم عبارت از مصلح و مفاسد واقعی‌ای است که حکم برای آنها وضع می‌شود. در اینکه کشف این ملاکات توسط غیرشارع امکان دارد یا نه، باید گفت که کشف این ملاکات (یعنی مصلح و مفاسد) در تعبیهات غیرممکن و در غیرتعبیهات، ولو به صورت موجه جزئی، ممکن است و ما می‌توانیم در غیرتعبیهات به راز جعل احکام و ملاکات آنها پی ببریم (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

۱۲. حکم الهی همیشه ثابت است و تغییر نمی‌کند، پس با تغییر مصلح یا مفسده، حکم قبلی از بین نمی‌رود، بلکه حکم جدید کشف می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دلالت خاص بر برخورد با بی‌حجابی دارد، می‌توان در فرمان دیگر پیامبر اکرم(ص) خطاب به " عمرو بن حزم"، والی نجران، مشاهده کرد که می‌فرمایند: «این بیانی است از سوی خدا و رسول او ... و مردم را از اینکه لباس کوچکی بپوشند که عورتشان آشکار شود، باز دارد و از اینکه کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی کند...» (منتظری، ۱۳۷۰: ج ۳، ۴-۴۲؛ به نقل از غلامی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱).

تفاوت ارزش حجاب در عصر پیامبر و عصر حاضر، منجر به تفاوت در برخورد حکومتی شده است. در جوامع گذشته و از جمله جامعه‌ی صدر اسلام، پوشش زنان تابع ماهیت فرهنگی و اجتماعی قبایل (زنان آزاد و کنیز) و اقلیم (تحت تاثیر شرایط آب و هوایی مثلا بادیه‌نشینان لباس متفاوتی با دیگر مناطق داشتند، البته امروزه هم این ماهیت وجود دارد) بود. اما، امروزه پوشش و لباس علاوه بر ماهیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی دارای ماهیت‌های جدیدی از جمله ماهیت اقتصادی و سیاسی شده‌اند. سخن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که فرمودند: «بی‌حجابی علاوه بر حرام شرعی، حرام سیاسی است»، مَهر تاییدی بر این مطلب است.

ماهیت سیاسی حجاب از سه بُعد قابل طرح است: بُعد اول، در تبدیل حجاب به نماد زنان مسلمان ظلم‌ستیز در کشورهای غربی که تاثیر آنان تا آنجا پیش رفت که برخی کشورها همچون فرانسه را مجبور به واکنش در قالب قانون علیه حجاب کرد. بُعد دوم، استفاده‌ی برخی افراد بی‌حجاب در داخل کشور از این پدیده به عنوان نماد اعتراضات سیاسی به نهاد حاکمیت. بُعد سوم، به عنوان ابزاری برای براندازی یک نظام سیاسی توسط گروه‌های مخالف خارج از کشور است که از طریق نافرمانی مدنی و زیر پا گذاشتن قوانین و هنجارهای حکومت اسلامی انجام می‌شود و یا با زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و اعتقادات نظام حکومت اسلامی صورت می‌گیرد. بنابراین، با توجه به این ماهیت سیاسی حجاب و استفاده از آن به عنوان ابزار براندازی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و از طرفی دیگر، همان طور که قبلا گفته شده، تنها مصحلت غیر قابل تغییر حفظ نظام اسلامی است، آیا باز هم می‌توان دنبال گزارش تاریخی بود؟ استناد به عدم مداخله‌ی حکومت در مسئله‌ی حجاب در صدر اسلام، به فرض صحت این ادعا و استدلال مبتنی بر آن، به منظور جلوگیری از مداخله‌ی حکومت در مسئله‌ی حجاب در زمان حاضر، آیا دلیلی عقلانی و قانع‌کننده است؟ در نتیجه، واقعیت موجود حاکی از آن است که وضعیت فعلی جامعه‌ی اسلامی با جامعه‌ی صدر اسلام به جهات متعددی متفاوت است که این تفاوت سبب ضرورت اتخاذ تصمیمات متفاوت می‌شود.

حجاب و تغییر قانون

آیا در قانون‌گذاری اسلام عرف جایگاهی دارد؟ در این‌که قوانین قرار است بر اساس آموزه‌های اسلامی باشد، عرف در عرض شرع قرار نمی‌گیرد. در حوزه‌هایی که دین قانونگذاری کرده، تا اجازه ندهد که به سراغ عرف بروید، نمی‌توانید. در موضوع حجاب وقتی شرع حد تعیین کرده آیا عرف می‌تواند آن حد را جابه‌جا کنند؟ نه، اما این‌که عرف جمع شوند بگویند چهار تار مو این قدر حساسیت ندارد، سؤال می‌کنم فرق چهار دانه مو با پنج تا چیست؟ یعنی اگر باب عرف را باز کردی دیگر نمی‌توانی خط بگذاری. حالا عرف چه کسانی هستند؟ یک عده هستند به اسم دین خیلی وحشتناک سخت می‌گیرند، اصولا همه چیز برای آنها حرام است، دوم یک عده در مقابل آنها هستند که هر چه بگوئید می‌گویند حلال است، عرف معقول متدینین جامعه آدم‌هایی هستند که اهل افراط و تفریط نیستند، آدم‌های عاقلی که دستورات و چارچوب دین را مورد توجه قرار می‌دهند، برای مراجعه به عرف پنج نفر از آنها را پیدا کرده از آنها سؤال می‌کنیم، جایی می‌توانیم سراغ عرف برویم که شرع برای احراز مصداق یک حکم اجازه داده، غیر از این‌ها برویم سراغ عرف نظام اسلامی ما از اسلام به سمت سکولار رفته است (غلامی، ۱۴۰۱).

اگر عرف تغییر احکام را بپسندد دیگر انتظاری از دین برای جواب ندارد، بلکه پاسخ آن را در قالب‌های غیرالهی می‌جوید. نهایت این‌که نتیجه عملی این باور استحاله در دین خواهد بود. به عبارتی ساده‌تر، نظر عرف در مورد حجاب چیست؟ عدم رعایت حجاب؟ برهنگی؟ یعنی عرف خواستار تغییر موضوع است، که حکم جدیدی می‌طلبد. حکم جدید را بدون در نظر گرفتن شریعت، صادر کنیم، نتیجه می‌شود حکم‌سازی، استحاله در دین و رفتن به سمت نظام غیردینی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳-۲- حجاب و تقابل آن با حریم خصوصی

بدون شک انسان موجودی اجتماعی و همچنین، اسلام دینی اجتماعی است، در نتیجه، حجاب امری اجتماعی است، نه فردی. اولاً، هیچ کدام از جانداران جهان غیر از انسان‌ها توانایی حیات اجتماعی وسیع با تکامل روزافزون در آن را ندارند. بدون شک انسان یک موجود اجتماعی است و همه چیز خود را در زندگی گروهی می‌یابد. تکامل انسان در جنبه‌های معنوی و مادی، علوم و دانش‌ها، تمدن‌ها و صنایع، آداب و رسوم، همه در پرتو زندگی دسته جمعی حاصل می‌شود، به طوری که می‌توان گفت اگر انسان این طرز زندگی را از دست دهد، همه چیز خود را از دست خواهد داد و تا سر حد یک حیوان سقوط می‌کند. توجه انسان به این نوع زندگی علاوه بر انگیزه فطری، به خاطر کثرت و تنوع نیازهای او و همّت والایش برای رسیدن به مراحل بالاتر و کامل‌تر است، و تأمین این نیازهای جسمی و روحی بدون زندگی اجتماعی ممکن نیست، مگر از یک فرد چه کاری ساخته است؟ علامه طباطبائی (ره) در تفسیر "المیزان" در این زمینه بیانی دارد مبنی بر این‌که: «همه موجودات این جهان به سوی تکامل می‌روند، و نوع انسان تکاملش در دل اجتماع صورت می‌گیرد، به همین دلیل ذاتا اجتماعی آفریده شده است».

دوماً، دین اسلام، دینی اجتماعی است. امام خمینی (ره) با بیان این درد که دین اسلام را بد معرفی کردن و آن را از زندگی انسان دور ساخته‌اند، می‌فرماید:

«تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد، طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس است. اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و اداره‌ی جامعه چیزی ندارد. تبلیغات سوء آن‌ها متأسفانه مؤثر واقع شده است. الان گذشته از عامه مردم، طبقه تحصیل کرده، چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین روحانی، اسلام را درست نفهمیده‌اند و از آن تصور خطایی دارند» (خمینی، ۱۳۹۲: ۴-۵).

واقعیت آن است که ادیان الهی، اجتماعی‌اند، به ویژه دین اسلام که اجتماعی‌ترین دین است، زیرا: اولاً، از آن جا که انسان موجودی اجتماعی است، محال است که دین او اجتماعی نباشد، پس دین برای هدایت همین انسان اجتماعی به سوی سعادت و کمال در دو عالم آمده است. ثانیاً، ابعاد اجتماعی احکام و دستورات اسلام، از ابعاد فردی آن بیش‌تر است و در واقع دستورات فردی هم در جهت ساختار اجتماعی سالم صادر گردیده است. به عنوان نمونه، ضمیرهای جمع که در سوره حمد به کار رفته، و سلامی که در آخر نماز است، همه نشان می‌دهد که نماز دارای روح اجتماعی است. در اسلام آنقدر به اجتماع و زندگی اجتماعی بشر اهمیت داده شده که هر چه باعث اختلاف و پراکندگی است (مانند: حسد، سخن چینی، غیبت، نفاق افکنی و...) از گناهان کبیره شمرده شده، و آنچه مایه صلح و صفا و اصلاح میان مردم است، جزء برترین عبادات است.

بنابراین، پوشش و حجاب نمی‌تواند تنها برای حفاظت از سرما و گرما باشد، مطمئناً حجاب خصلتی انسانی، اجتماعی و عمومی دارد. اگر حجاب امری فردی و شخصی در نظر گرفته شود که هیچ پیامد اجتماعی ندارد و در حوزه روابط اجتماعی تعریف نمی‌شود، این تعریف شامل حجاب نمی‌باشد. اگر گفته شود که خصوصی بودن حجاب به منزله عدم حق دخالت دولت در محیط‌هایی چون خانه و میهمانی است، باید گفت که کسی قائل به جواز مطلق ورود حکومت به این حوزه‌ها نیست و در اینجا موضوع بحث حجاب در روابط اجتماعی و محافل عمومی است.

در نتیجه، یکی از مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان به نام مسأله حجاب و پوشش بدن مواجهیم که در بستری از روابط اجتماعی و در عرصه‌ای از ارتباطات میان فردی شکل می‌گیرد. در همین راستا، با نگاهی جامعه‌شناختی، در واقع حجاب به مفهوم پوشش، در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که از یک سو ممکن است دارای شکل و قالبی متنوع و جوهر و محتوایی یکسان باشد (یا بالعکس) و از سوی دیگر از منظری ارتباطاتی، حجاب به مثابه رسانه‌ای هویتی و ارتباطی است که نقش نمادینی در عرصه ارتباطات میان فردی دارد، لذا مسأله حجاب دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد و دارای مؤلفه‌های مذهبی، معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که می‌توان از زوایا، پارادایم‌ها و منظرهای مختلفی به آن نگریست (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سوالی که در اینجا مطرح است، اگر حجاب یک امر شخصی و فردی و مرتبط با حیطه حریم خصوصی تعریف می‌شود، چه توجیهی برای برخورد با نوع پوشش، خصوصا در مورد زنان در کشورهای غربی که به قوانین جدی منجر شده است، وجود دارد؟ (در این بخش منظور از ورود به حجاب توسط دولت‌های غربی، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی نیست). بارزترین مصداق این امر، تصویب قانون توسط دیوان دادگستری اروپا به عنوان عالی‌ترین مرجع رسیدگی به مسائل مربوط به قوانین اتحادیه اروپا است، که مقرر شده اعضای این اتحادیه می‌توانند کارکنان را از پوشیدن لباس‌های نشان‌دهنده باورهای مذهبی منع کنند. تمامی موارد ذکر شده در سطور بعدی در مورد قانون ممنوعیت حجاب در کشورهای اروپایی از سایت یورورنیوز بخش فارسی به تاریخ ۲۰۲۳/۰۸/۳۰ گرفته شده است:

«فرانسه: وزیر آموزش و پرورش فرانسه که کشورش حدود بیست سال پیش پوشش حجاب و نمادهای مذهبی را در مدارس ممنوع کرده بود به تازگی از طرحی برای ممنوعیت پوشش "عبایه" توسط دختران دانش‌آموز خبر داده است.»

«آلمان: آزادی مذهب در قانون اساسی آلمان مورد اشاره قرار گرفته است، اما ایالت‌ها و مدارس می‌توانند قوانین خود را در خصوص آنچه "لباس مناسب" در کلاس درس تلقی می‌شود، تعیین کنند. به‌طور کلی، از سال ۲۰۱۵ به این سو، به هر ایالت آلمان اجازه داده شده است که به‌طور مستقل درباره مجاز یا ممنوع بودن نمادها یا پوشش‌های مذهبی در مدارس تصمیم‌گیری کنند. برخی از ایالت‌ها حجاب را منع کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر آنرا با وضع با محدودیت‌های خاصی همچون نمایان بودن صورت یا مو مجاز دانسته‌اند.»

«کوزوو: کشوری با اکثریت مسلمان، استفاده از روسری برای دانش‌آموزان دختر از سال ۲۰۱۰ به این سو ممنوع اعلام شده است.»

«اسپانیا: هر منطقه می‌تواند در مورد مسائل آموزشی خود تصمیم بگیرد. اگر دستور منطقه‌ای خاصی وجود نداشته باشد، این خود مدارس هستند که مقررات مربوط به پوشش را در چارچوب حفظ استقلال خود تعیین می‌کنند. به همین دلیل است که پوشش‌های خاص در برخی مدارس ممنوع و در برخی دیگر مجاز اعلام می‌شود. بر اساس این رویکرد نمایش نمادهای مذهبی در اماکن عمومی ممنوع است، به استثنای مواردی که دارای ارزش‌های تاریخی-هنری، معماری و فرهنگی است و قانون از آن حمایت می‌کند.»

این قانون‌های محدود کننده منحصر به این چند کشور نیستند و در سایر کشورهای غربی نیز نمونه‌های آن قابل مشاهده است. دولت‌ها یا ایالت‌ها رسماً نسبت به تصویب و اعمال محدودیت بر حجاب یا نمادهای مذهبی اقدام می‌نمایند و با اعتقاد به قرار داشتن حجاب در حوزه عمومی، خود را محقق می‌دانند که در آن وارد شده و همچون سایر حوزه‌های عمومی خط قرمز را مشخص کنند.

در فقه اسلامی، تفکیک و تقسیم‌بندی احکام اسلامی به فردی و اجتماعی یا خصوصی و عمومی وجود ندارد. چنین تفکیکی مربوط به اندیشه‌ی معاصر است که کنش انسانی را بر دو نوع فردی و اجتماعی تقسیم می‌کند (البته به صرف معاصر بودن یک اندیشه، نمی‌توان با آن مخالفت نمود) و در منابع و متون فقهی قابل رویت نیست. اگر هم چنین تفکیکی قابل ارائه باشد، در گفتار قائلین به چنین تفکیکی، تعریفی ارائه نشده است که بر مبنای چه ملاکی می‌توان احکام شرعی را به فردی و اجتماعی تقسیم نمود؟ گاه احکام فردی در احکام اجتماعی دخالت می‌کند. مثلاً جایز نیست زن مسلمان با مرد کافر ازدواج کند یا اگر یکی از زوجین (زن و مرد) مرتد شوند، عقد نکاح آنان باطل می‌شود. در اینجا هرگز نمی‌توان اظهار داشت ارتداد یا کفر فرد، امری شخصی است و امور فردی را نباید در امور اجتماعی مانند نکاح دخالت داد. گاه دخالت الزامات فردی در الزامات اجتماعی غیرارادی است. مثلاً درصد جرایم در ماه مبارک رمضان کاهش می‌یابد تأثیر روزه‌داری که یک تکلیف شخصی است، خواسته یا ناخواسته در روابط اجتماعی حتمی است. لذا نمی‌توان مانع تأثیر التزام احکام فردی در روابط اجتماعی شد و در تنظیم روابط اجتماعی فقط بر مبنای التزام به احکام اجتماعی عمل نمود. خیلی از اوقات، ریشه‌ی عدم التزام



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فرد به قوانین اجتماعی در عدم التزام وی به قوانین فردی می‌باشد و برعکس گاهی قوانین اجتماعی ناخواسته در تنظیم کنش‌های فردی تأثیر می‌گذارد، همین تأثیر در فقه اسلامی نیز مشاهده می‌شود. غصبی بودن مکان مربوط به احکام اجتماعی می‌شود، زیرا بحث از رابطه‌ی فرد با دیگری است. اما همین حکم اجتماعی در تکلیف فردی تأثیرگذار است، مانند بطلان نماز در مکان غصبی. بنابراین، صرف تفکیک احکام شرعی به فردی و اجتماعی مانع از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم این دو دسته از احکام در یکدیگر نمی‌شود، زیرا احکام فردی و اجتماعی ناظر بر یکدیگر هستند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۶۸).

۴- نتیجه‌گیری

بحث حجاب و پوشش با توجه به اهمیت و جایگاه خاص آن، مورد اشکالات و شبهات متعددی قرار گرفته است. برخی از این شبهات ناظر به قانون هستند و از بُعد حقوقی - اجتماعی، حجاب را مورد شبهه قرار می‌دهند. به عبارتی دیگر، این شبهه‌افکنی‌ها مربوط به بحث رابطه حکومت اسلامی و حریم خصوصی با اصل حجاب است. از سویی، ورود حکومت اسلامی به بحث حجاب را نقض حریم خصوصی شهروندان می‌دانند و از سویی دیگر، اصل حجاب را امری فردی و خصوصی دانسته و قانونی شدن حجاب را بر خلاف ماهیت و خاصیت فرهنگی حجاب دانسته و جز حوزه اجتماعی و حقوق عمومی قبول ندارند.

این شبهات حقوقی - اجتماعی حجاب، یا حتی شبهاتی از سنخ‌های دیگر (اقتصادی، سیاسی، فقهی، اعتقادی و فرهنگی)، نشأت گرفته از عدم وجود تبیین و تصور صحیح از اصل حجاب و دلایل الزام شرعی آن در سطح فردی و اجتماعی و از سویی دیگر، ناشی از عدم درک فلسفه، حقوق و اختیارات و وظایف حکومت دینی است. بنابراین، ضرورت پاسخگویی به شبهات، علی‌الخصوص شبهات حقوقی - اجتماعی ضروری است. لذا، بایستی تبیین مبانی تشکیل حکومت اسلامی به‌طور عام و وظیفه حکومت اسلامی در زمینه حجاب به‌طور خاص مد نظر قرار گیرد.

به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت که در تبیین رابطه‌ی حکومت اسلامی و حجاب، حجاب امری واجب و رعایت آن لازم است و بر همگان از جمله حکومت، زمینه‌سازی برای انجام این فریضه، واجب است. زمینه‌سازی در حوزه‌ی فردی، خانوادگی و اجتماعی در ساحات شناخت، گرایش و رفتار وظیفه‌ی همگان است و اگر پس از همه‌ی این مراحل، افرادی به بی‌حجابی اقدام کردند، امر و نهی آنها بر مردم و سپس حکومت لازم است. حجاب امری فراتر از حوزه زندگی فردی است، حکم حجاب مرتبط با حقوق عمومی است و شامل همه مردان و زنان در جامعه می‌باشد و عدم رعایت آن موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و بستری بر آسیب‌پذیری درونی و تهدیدهای بیرونی جامعه ایرانی - اسلامی می‌شود. از این رو مردم و دولت نسبت به رعایت حدود الهی در جامعه تکلیف و مسولیت دارند.

فهرست منابع

- خرقانی، حسن و محقق‌گرمی، البرز (۱۴۰۱). روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات در سیره‌ی رضوی. فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، ۱۰(۱)، ۱۴۰۱، ۵۶-۳۱.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). ولایت فقیه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ بیست و هشتم.
- صفاوردی، سوسن (۱۳۸۹). بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی (جنبه‌های حقوقی و سیاسی). مطالعات راهبردی زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۸۹، ۲۹۵-۳۴۰.
- عظیمیان، مریم و بهشتی، سعید (۱۳۸۸). بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی. تربیت اسلامی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوره ۴، شماره ۸، شهریور ۱۳۸۸، ۷۵-۱۰۳.
- غلامی، علی (۱۴۰۱). عفاف و حجاب مردان. تهران: دپارتمان بنیاد شهید پالیزوانی (ره).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- غلامی، علی (۱۳۹۲). مبانی نظری مداخله‌ی دولت در مسئله‌ی حجاب. فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۲، ۴۷-۶۷.
- قائمی، علی (۱۳۷۳). حیات زن در اندیشه‌ی اسلامی. تهران: انتشارات امیری.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، ج ۵. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ یازدهم.
- کرباس‌فروشان، مجید، مهریزی، مهدی و عطارآبکناری، مصطفی (۱۴۰۱). امام خمینی (ره) احیاگر حجاب در جامعه سیاسی ایران با الهام از سیر تنزیلی قرآن. ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱، ۱۶۵۵-۱۶۶۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۱). اصول کافی، ج ۵. مترجم حسین استادولی. تهران: دارالثقلین، چاپ دوم.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن، ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۸). بحارالانوار، ج یک. قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب. کتاب زنان، سال دهم، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۸۶، ۸۸-۱۳۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). دین و دوران. تهران: دانشگاه امام‌صادق (ع).
- امیدعلی، میثم (۱۳۹۳). رسانه و حقوق شهروندی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و سبحانی‌تبریزی، جعفر (۱۳۸۱). پاسخ به پرسش‌های مذهبی. قم: مدرسه‌الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم.
- مهدوی‌زادگان، داود (۱۳۸۶). تأملی در چگونگی الزام پوشش. کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۶، ۱۶۱-۱۹۲.
- مومنی، عابدین، صدری، سیدمحمد و پیردهی، علی (۱۳۹۶). قاعده جاودانگی احکام و تحول زمان. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهل و هشت، تابستان ۹۶، ۱۴۳-۱۷۰.
- موسوی‌نیا، سیدمحمد مهدی و پورامینی، محمدباقر (۱۴۰۱). روش‌شناسی استاد محسن قرائتی در پاسخ‌گویی به شبهات دینی. نشریه علمی مطالعات شبهه‌پژوهشی، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۱، ۱۵۱-۱۸۳.
- رفیعی، رمضانعلی (۱۳۸۶). مبانی اختیارات نظام اسلام برای جلوگیری از بدحجابی در جامعه. کاوشی نو در فقه اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱ و ۵۲.
- ضیایفر، سعید (۱۳۸۶). مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی. شماره ۵۱ و ۵۲.
- مرتضوی، سیدضیا (۱۳۸۶). درآمدی بر مبانی کلی فقهی حجاب و مسولیت دولت اسلامی در حجاب. مجله پیام زن، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵.
- هادیان‌رسانی، الهه (۱۳۸۷). رابطه حجاب با حکومت و مصلحت نظام. در حجاب: مسولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. گردآورنده: شفیعی سروستانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- Miller, D. (1995) Citizenship and Pluralism. Political studies, vol.43.
- Oldfield, A. (1990) citizenship and community: civic Republicationism and modern world. London: Routledge